معتاد

[مهسا زرگر]

برای تهیه آخرین گزارش تصویری پایان نامه ام به اسکله شهر می رم،چون شنیده ام اطراف اسکله تعداد افراد معتاد در آنجا زیاد است و در حضور بقیه مردم این کار رو انجام می دهند .

وقتی به محل می رسم می بینم تعداد زیادی از مردم در آنجا با ماشین های سواری خود منتظر ایستاده اند تا مسافر کشی کنند و ازدحام جمعیت هم تا حدودی هست، چون بقیه مردم که مسافر هستند از این مسیر به سمت اسکله هم می روند و تعدادی هم ایستاده اند تا ماشین مورد نظرشون پر بشه و حرکت کنند.

مهرداد که همکلاسیم است نیز همراهم اومده و از پشت سرم دوربین بدست می آید و همین طور فیلم می گیرد و من هم برای پیدا کردن یک معتاد گوشه و اطراف اسکله و ماشین ها رو نگاه می کنم تا بتونم یک سوژه خوب برای گزارش پیدا کنم که ناگهان چشمم به یک مرد،که ظاهرش ۴۵ سال به بالا نشون می ده و بسیار لاغرو سبزه است و لباس کاملاًمشکی پوشیده است می افتد که لای چند ماشین روی زمین نشسته است و مشغول کاری است .

چند دقیقه از دور نگاش می کنم، او سرنگی در دست داره که مشغول وارد کردن مایعی به درون رگش است . همین طور که روی پاهاش روی زمین نشسته ، سرش هر دم به سوی زمین خم می شود و به زحمت اونو بلند می کند ، تا اینکه بعد از چند دقیقه سرنگ را از رگش خارج می کند و اونو روی زمین می ندازه و همین طور که روی زمین نشسته توی هپروت سیر می کند که من به مهرداد اشاره می کنم تا جلوتر برویم ،وقتی من و مهرداد جلوی او ایستادیم او اصلاً متوجه حضورما نشد تا من خطاب به او گفتم : پدر می تونم باهاتون صحبت کنم ؟که یکی از راننده هایی که منتظر مسافر بود گفت : نمی شه خانم این یارو تازه تزریق کرده و اصلاً حالش خوب نیست .

من که می خواستم با این معتاد صحبت کنم، دوباره روبه مرد گفتم: بابا خوب هستی که یکدفعه مرد معتاد از جا پرید و با دیدن من شوکه شد و خیال کرد پلیس یا خبرنگار هستم و با لهجه خودش گفت :خانوم من پاک پاک هشتم به خدا تهمت می زنند. من کاری نکردم من الان شه ماه توی ترک هشتم،باور ندارید،بپرشید که در همان لحظه مردمی که در اطراف ما بودند شروع به خندیدن کردند .

مرد معتاد با دیدن اونا گفت : چرا می خندید من که کاری نکردم و من با لبخندی رو به او گفتم: بابا اون سرنگی که اونجا پرت کردی مال کیه؟مرد معتاد با دیدن سرنگ خیلی راحت و بدون اینکه خودشو ببازه گفت : لعنت خدا به این و رو به من گفت : مال این حبیب گور به گور شده اشت، بگمونم تا حالا مرده ازبش به خودش تزریق می کنه . حالا معلوم نیست جنازه اش کجا افتاده و بعد خم شد و سرنگ رو برداشت وروبه من گفت :خانوم محترم با من بیایید به خدا این سرنگ حبیبه ، مال من نیست و به سمت پایین سراشیبی که به طرف ساحل می رفت اشاره می کند و می گه : اون جنازه حبیب که اونجا افتاده و مرده . من با دیدن آدمی که روی شنای ساحل افتاده ، اول جا خوردم و بعد ترسیدم که دیدم مهرداد دوربین را به سمت او زوم کرده و پایین می رود من هم به دنبال او پایین رفتم .اما اگر خودم تنها بودم هیچ وقت این کار رو نمی کردم . وقتی بالای سرجنازه حبیب رسیدم روبه مردی که آنجا ایستاده بود گفتم: حبیب مرد؟مرد گفت : معلوم نیست ، چند ساعتی هست که افتاده ، که با این حرف یکدفعه حبیب تکون خورد و با گیجی و منگی بلند شد و با دیدن من عصبانی شد و با لهجه خودش گفت :تو غلط می کنی ، چرا از من عکس و فیلم می گیری و خواست گوشه چادر من که باد می زد رو بگیره که من با ترس عقب رفتم ، اما او که بسیار عصبانی شده بود و قصد کتک زدن منو داشت بلند شد و به دنبال من راه افتاد.

من نگاهی به مهرداد کردم و راهی رو که اومده بودم را داشتم بالا می رفتم که یکی از دوستانم را دیدم که از من پرسید : ندا گزارشت درباره افراد معتاد خوب شد یا نه و من با ترس گفتم :اگر از سر راهم کنار نروی الان باعث کشته‌شدن من به دست این مرد عصبانی معتاد می شوی .

وقتی که ...

وقتی مرا مبتلای خود کردی،دیوانه وار خندیدم
وقتی مبتلایت شدم،عاشقانه شکستم
وقتی امیدم مرا ربودی ،نگاهم خاک بست ،ماندم
وقتی بتو رسیدم ،باورم پر کشید ،پیوستم
وقتی از تو گریختم ،قلبم مرا سپردم
وقتی نگاهت کردم ،خندیدی ،تپیدم
وقتی شکست "غریبه" عشق خندید ،پریدم

به عشق
در خود
در باد
به خاک
به اسارت
در دل
از خواب
(غریبه)

« امان از زمانه»

زمانی آمده پر از درد و رنج
که انسان نمی ترسد از مرگ
خواب به چشمانم نمی آید شب و روز
چون همه مرا دیوانه کردند با هیچ و پوچ
خدایا مرا آشفته نکن از غم
بده حاجت تا شوم شادمند
درد سنگینی در دل دارم
بار گران بر دوش دارم
من رها نمی شوم از این گناه
جز توبه کنم به درگاه خدا
امید دارم فقط به خدایم در این گیتی
که شاید مرا بخشوده باشد به این زندگی

« نسیم حسن زاده » بندرعباس ۸۷

آگهی حق تقدم خرید سهام شرکت هرمز آتیراه (سهامی خاص)

بدینوسیله اعلام می شود که سرمایه شرکت هرمز آتیراه طبق مجمع عمومی عادی شماره ۱۵۶۳/الف /۸۷/۲/۲۳ از مبلغ یک میلیون ریال به مبلغ دویست میلیون ریال منقسم بر یکصد سهم دو میلیون ریالی با نام افزایش یافته است. از سهامداران عزیز خواهشمند است در صورت تمایل به خرید سهام ظرف مدت شصت روز مبلغ خود را به حساب شرکت واریز کرده و فیش آن را ارائه نمایند.

بمناسبت ۲۹ خرداد روز شهادت معلم شهید دکتر علی شریعتی

نیایش

[ماخذ: کتاب "نیایش" اثر دکتر شهید علی شریعتی]

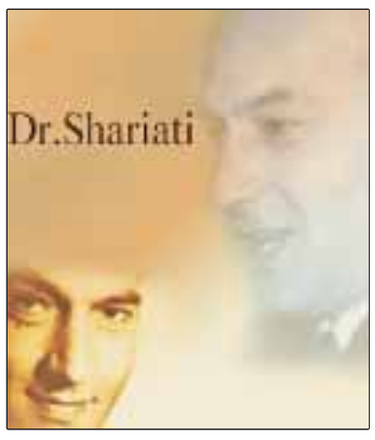

"الکسیس کارل" فیلسوف و عالم بزرگ فرانسوی است و کتاب نیایش یکی از کارهای علمی و فکری اوست . او برنده دو جایزه نوبل است و جالب اینکه جایزه نوبل را در موضوعات فلسفی و یا ادبی و یا تاریخی و حتی علوم انسانی نبرده، یکی از جایزه هایش را به خاطر پیوند رگها و شیوه بخیه زدن آنها برای اولین بار بوده است . جایزه دیگرش آن بود که قلب یك جوجه را بیش از ۳۵ سال در خارج از بدن جوجه در آزمایشگاهی زنده نگهداری کرد و در این مدت هرچند یکبار این قلب چندین برابر می شد و ناچار باید کوچکش می کردند.

"الکسیس کارل" یک فیزیولوژیست،یک جراح و یک متخصص وظایف اعضای بدن است . نتیجه سالها مطالعه او به عنوان یک زیست شناس و بعنوان یک فیزیولوژیست و رئیس موسسه انسان شناسی موجب شد که جزوه کوچکی بنام نیایش بنویسد . دعای اسلامی می کوشد تا انسان را که نیایش می کند در برابر خدا با اسارت ،تسلیم و خضوع تا سرحد خواری وادار کند. نیایش کننده از خدا می خواهد شرایط روانی و اسباب و وسایل خارجی آنطور فراهم آید که بتواند دست به کوشش هایی در راه کمال ،حسن و خیر بزند و از این کوشش ها آنچنان که خدا می خواهد بهره برگیرد.

"الکسیس کارل " در این کتاب اساس دعا را مبتنی بر دو اصل فقر و عشق می داند و اینگونه بیان می کند که نیایشگر در مرحله اول کسی است که از خدا می خواهد قرضش ادا شود، بیمارش شفا یابد،مسافرش از سفر بسلامت برگردد و درمرحله دوم نیایشگر انسان ممتاز و زبده ای است که خدا را عاشقانه می پرستد ،از گفتگوی با او ،از ایستادن در برابر او لذت می برد که این یک طریقه خاص عرفانی است . اما نیایش گاه بصورت دیگری تجلی می کند که از فقر و عشق جدی تر و رفیع تر است. در این نیایش ،احساس بازماندن از کمال ، دور ماندن از جوار دوست ، از بقای ابدی ،از حیات جاوید ومحروم گشتن از صلح و زیبایی و خیرمطلق و عقب ماندن از آن گروهی که توانسته اند تا آنجا به خدا بپیوندند راه ادامه دهند،از خدا طلب می کند. عالی ترین نمونه اینگونه نیایش در سخنان حضرت علی (ع) با خدای اسلام است .

نیایش بر وزن ستایش به معنی آفرین و تحسین ودعایی می باشد که از روی تضرع و زاری کنند. برای نیل به خدا با انجام تشریفات پیچیده و از خودگذشتگی و ایثار خون نیازی نیست . نیایش آسان و طریقه اش نیز ساده است . نیایش هر چه باشد طولانی یا کوتاه ،بیرونی یا درونی (صوتی یا زبانی ،فکری یا روحی)باید همچون گفتگوی طفلی باشد با پدرش ،برای اجابت دعا نیازی به فصاحت نیست . نیایش درمرحله عالیترین از سطح درخواست و عرض حال فراتر می رود. انسان در برابر خداوندگار هستی نشان می دهد که او را دوست دارد. تنعمات اورا سپاس می گذارد و آماده است تا خواست او را هر چه باشد انجام دهد . آثار نیایش واهی وخیالی نیست . تقریباً تمام ادوار ، مردم غرب نیایش کرده اند .جامعه قدیم اصولا یک سازمان مذهبی بود. رومی ها همه جا معبد برپا می کردند . در طول تاریخ ما نیایش در شمار احتیاجات اولیه در ردیف جنگ ،ساختمان ،کار و دوست داشتن قرار داشته است . دعا نه تنها جبران کننده ضعف انسانی نیست بلکه تقویت کننده قدرت انسانی وادامه دهنده کار مثبت و تلاش سازنده فرد در ساختن زندگی فردی و اجتماعی اش است.دعا در کنار کار و مسئولیت نیست بلکه دعای اسلامی، پس از مسئولیت و در ادامه رنج و کار و جهاد و صبر وجود دارد .حضرت علی (ع): کوهها بجنبند و تو مجنب،نگاهت را به اقصای صف سپاه دشمن بفرست و دندانهایت را بر هم بفشار و پاهایت رابه زمین میخکوب کن و جمجمه ات را به خدا بسپار و بجنگ و آنگاه بدان که پیروزی در دست خداست. بعد از این همه کارها اینگونه دعا می کرد : خدایا اگر ما بر این ها پیروز شدیم ، ما را از غرور و خودخواهی واستبداد و خودکامگی و ستم ویژه فاتحان مصون بدار و اگر از اینان شکست خوردیم، ما را از ذلت بردگی نگاه دار.

نیایش نشان داده است که انسان هر چه بخواهد می گیرد و هر دری را که بزند به رویش گشوده می شود، با غضب و شدت دامن او را گرفت و از او خواست بینا شود . او دامن را رها نکرد تا عیسی گفت :ایمانت تو را شفا داد.

صحیفه سجادیه کتاب جهاد در تنهایی،سخن گفتن در سکوت وسنگر گرفتن در شکست و فریاد زدن در خفقان و آموختن با لب های دوخته و سلاح گرفتن یک خلع سلاح شده است با این همه یک کتاب دعاست . دعا در مکتب امام سجاد در عین حال که جلوه عمیق ترین آگاهی ها و شورانگیزترین عشق ها و متعالی ترین نیازها برای او و برای هر کسی که در مکتب امامت درس زندگی و نمونه پیروی

نیایش عمیق ترین آثار را بر روح و فطرت انسان نیایشگر می گذارد و او را آنچنان رشد می دهد که جامه محیط و وراثت بر او تنگی می کند

و سرمشق بودن و اندیشیدن و کار کردن می آموزد زبانی است در پس لب های دوخته ،برای حرف زدن و برای حرف را زدن .

"الکسیس کارل" می گوید: کمیت عقل آنجا که عشق قدم می نهد و در می ماند و چنین به نظر می رسد که نیایش بلندترین قله تغییر را در پرواز عشق از میان شب ظلمانی عقل پیدا می کند. هیچ ملتی در تاریخ به سقوط و زوال قطعی نیفتاده است مگر آنکه از پیش با ترک نیایش خود را برای مرگ آماده کرده است . نیایش عمیق ترین آثار را بر روح و فطرت انسان نیایشگر می گذارد و او را آنچنان رشد می دهد که جامه محیط و وراثت بر او تنگی می کند. هر کسی می تواند با خدای خود حرف بزند و خواسته هایش و نیازهایش را بر او عرضه کند، به زبان خودش ،هرنیازی را با هر زبانی ایمان نیرومند "می آفرینند" و وقتی عشق فرمان می دهد "محال " سر تسلیم فرو می آورد.

به یاد شهید دکتر شریعتی می شنویم دعای او در کتاب نیایش :

خدایا : عقیده مرا از دست عقده ام مصون بدار .

خدایا : به من قدرت تحمل عقیده مخالف ارزانی کن

خدایا : رشد عقلی و علمی ،مرا از فضیلت "تعصب"، "احساس" ، "اشراق" محروم نسازد.

خدایا : مرا همواره آگاه و هوشیار دار تا از شناختن درست و کامل کسی یا فکری مثبت یا منفی قضاوت نکنم.

خدایا : شهرت ،منی را که "می خواهم باشم " قربانی منی که : می خواهند باشم "نکند".

خدایا : مرا به خاطر حسد،کینه و غرض ،عمله آماتور ظلمه مگردان .

خدایا : خودخواهی را چندان در من بکش یا چندان برکش تا خودخواهی دیگرانم را احساس نکنم و از آن در رنج نباشم.

خدایا : مرا در ایمان اطاعت مطلق بخش تا در جهان عصیان مطلق باشم .

خدایا : به من تقوای ستیز بیاموز تا در انبوه مسئولیت نلغزم و از تقوای پرهیز مصونم دار تا در خلوت عزلت نپوسم. خدایا : مرا از چهار زندان بزرگ انسان :"طبیعت" ،"تاریخ " ،جامعه" و "خویشتن" رها کن تا آنچنان که تو ای آفریدگار من، مرا آفریدی ،خود آفریدگار خود باشم ،نه که همچون حیوان ،خود را با محیط ، که محیط را با خود تطبیق دهم .

خدایا : آتش مقدس شک را آنچنان در من بیفروز تا همه یقین هایی را که در من نقش کرده اند بسوزد.

خدایا : قناعت ،صبر و تحمل را از ملتم بازگیر و به من ارزانی دار .

خدایا : مرا هرگز مراد بیشعورها ومحبوب نمک های میوه مگردان .

خدایا : رحمتی کن تا ایمان ،نام و نان برایم نیاورد، قوتم بخش تا نانم را و حتی نامم را در خطر ایمانم افکنم ، تا از آنها که پول دنیا را می گیرند و برای دین کار می کنند،نه آنها که پول دین را می گیرند و برای دنیا کار می کنند .

خدایا :مرا یاری ده تا جامعه ام را بر سه پایه کتب، ترازو و آهن استوار کنم و دلم را از سرچشمه حقیقت، زیبایی و خیر سیراب سازم.

خدایا : این کلام مقدسی را که به "روسو" الهام کرده ای ،هرگز از یاد من مبر که :من دشمن تو و عقاید تو هستم ،اما حاضرم جانم را برای آزادی تو و عقاید تو فدا کنم .

خدایا : به روشنفکرانی که اقتصاد را اصل می دانند بیاموز که اقتصاد هدف نیست و به مذهبی ها که کمال را هدف می دانند بیاموز که اقتصاد هم اصل است .

خدایا : به مذهبی ها بفهمان که آدم از خاک است، بگو که یک پدیده مادی نیز به همان اندازه خدا را معنی می کند که یک پدیده غیبی در دنیا همان اندازه. خدا وجود دارد که در آخرت و مذهب اگر پیش از مرگ بکار نیاید پس از مرگ به هیچ کار نخواهد آمد.

خدایا : به من زیستی عطا کن که در لحظه مرگ بر بی ثمری لحظه ای که برای زیستن گشته حسرت نخورم و مردنی عطا کن که بر بیهودگیش سوگوار نباشم.

خدایا : چگونه زیستن را تو به من بیاموز ،چگونه مردن را خود خواهم آموخت.

خدایا : مسئولیت شیعه بودن را که علی وار بودن و علی وار زیستن و علی وار مردن وعلی وار جهاد کردن و علی وار کار کردن و علی وار سخن گفتن و علی وار سکوت کردن است تا آنجا که در توان این بنده ناتوان علی است ،همواره فریادم آور.

خدایا : به علمای ما مسئولیت و به عوام ما علم و به مومنان ما روشنایی و به روشنفکران ما ایمان و به متعصبین ما فهم و به فهمیدگان ما تعصب و به زنان ما شعور و به مردان ما شرف و به پیران ما آگاهی و به جوانان ما اصالت و به اساتید ما عقیده و به خفتگان ما بیداری و به بیداران ما اراده و به مبلغان ما حقیقت و به دینداران ما دین و به نویسندگان ما تعهد و به هنرمندان ما درد و به شاعران ما شعور و به.... همه ملت ما هست تصمیم و استعداد فداکاری و شایستگی نجات و عزت ببخش.

اخبار فرهنگی

پخش نمایش هفته از شبکه استانی صدای مرکز خلیج فارس

نمایش هفته عنوان تازه ترین تولیدات رادیویی است که از شبکه استانی صدای مرکز خلیج فارس پخش می شود.

به گزارش روابط عمومی صدا و سیمای مرکز خلیج فارس «نمایش هفته» عنوان برنامه رادیویی با ساختار نمایش است که روزهای یکشنبه و سه شنبه هر هفته ساعت ۱۳ به مدت ۳۰ دقیقه از شبکه استانی صدای مرکز خلیج فارس پخش می شود.

طرح مسایل اجتماعی، فرهنگی و تاریخی و مذهبی در قالب نمایش از جمله اهداف این برنامه نمایشی را تشکیل می دهد.

« نمایش هفته» را آقایان امید تنی ، محمد علی پژوهش تهیه و تولید می نمایند و رضا جوشعار و اسماء بدیعیان پور و همچنین گروه نمایش رادیویی آنها را در تهیه و تولید و پخش این برنامه یاری می دهند.

بیان خاطرات نسل های گذشته هرمزگانیها در "چی چی کای بپ گپو"

"چی چی کای بپ گپو" (قصه های پدر بزرگ) عنوان برنامه ای است که هر شب راس ساعت ۲۰ به مدت ۲۰ دقیقه از شبکه استانی صدای مرکز خلیج فارس پخش می شود.

به گزارش روابط عمومی صدا و سیمای مرکز خلیج فارس این برنامه با هدف زنده نگه داشتن آداب و رسوم و خاطرات نسل های گذشته و نیز برخی از واژه های بومی و محلی استان که هم اکنون کمتر توسط نسل حاضر بکار می برد تهیه و پخش می گردد.

این برنامه تلاش دارد تا قصه ها، مثل ها، و ضرب المثل های قدیمی هرمزگان را با گویش بومی و محلی به شکل قصه گویی برای مخاطبان خود بیان کند. از این حیث سلیمان ایرانمنش، اسماء بدیعیان پور، عاطفه مسجدی به عنوان گویندگان این خاطرات و قصه های قدیمی هستند که آن را با زبان شیرین محلی برای مخاطبان روایت می کنند.

لازم به ذکر است؛ تهیه کننده این برنامه معصومه ناصری و نویسندگی آن بر عهده سلیمان ایرانمنش می باشد.

برگزاری دوره آموزش گویندگی و فن بیان در مرکز خلیج فارس

به گزارش روابط عمومی صدا و سیمای مرکز خلیج فارس با همت و تلاش واحد آموزش و پژوهش مرکز و معاونت سازمان دوره آموزشی گویندگی و فن بیان با شرکت ۲۵ نفر از مجریان، گویندگان و گزارشگران صدا، سیما و خبر مرکز به مدت ۱۸ ساعت از تاریخ ۲۰ تا ۲۳ خرداد سال جاری در صدا و سیمای مرکز خلیج فارس برگزار شد .

شرکت کنندگان در این دوره با فنون گویندگی و گزارشگری و روشهای صحیح گویندگی و گویندگی خبر و رادیو و تلویزیون آشنا شدند. شایان ذکر است تدریس این دوره را آقای مدقالچی از استادان آموزش سازمان برعهده داشتند.

شکست
نردبان پیروزی

نه زمان آنقدر کوتاه است که فرصت جبرانی باشد و نه محیط آن قدر بسته است که نتوان پرو بالی زد با این حساب چرا به نومیدی اجازه دهیم که خانه دلمان را اشغال کند و سپاه امید را تار و مار کند؟ گاهی کسی که در تجارت ضرر می کند عاقلانه تر به امر بازرگانی می اندیشد و برنامه ریزی می کند.

دیگری در آزمون رانندگی رد می شود تلاش بیشتری برای موفقیت از خود نشان می دهد ،یکی در امتحان تجدید می آورد یا حتی مردود می شود ،اگر اهل فکر و حساب باشد به جای غصه خوردن و مایوس شدن به کشف راز شکست و عامل ناکامی می پردازد . اگر انسان هیچ شکست و ناکامی را تجربه نکند یا غرور دامن گیرش می شود یا در کوره حوادث و فراز و نشیب های زندگی پخته و ورزیده نمی گردد. کسی که در دریای پرموج دچار کشتی شکستگی شود حتی تخته پاره ای که باقی مانده می تواند عامل نجاتش گردد به شرط اینکه روحیه اش را نبازد و امید خود را از دست ندهد .

شکست یک گروه رزمنده در عملیات آنان را به شناخت ضعف ها و نقاط آسیب پذیر می رساند تا با نقشه و تمهیدات بهتر و دقیق تر وارد عمل شوند کدام انسان یا گروه همواره شاهد موفقیت های پیاپی بوده است؟

گاهی پیشروی است، گاهی عقب نشینی ، گاهی سود است گاهی زیان، گاهی بالا رفتن است گاهی پایین افتادن، زمین خوردگان باید از ضربه های دست روزگار درس بگیرند و بر مقاومت خویش بیفزایند و به قول صائب:

ما شیشه ایم و باك نداریم از شکست
شیشه چون بیشتر شکند تیزتر شود
ناکامی ها گاهی سیلی بیدارکننده از غفلت هاست
شکست ها گاهی درس زندگیست مگر درس همیشه در کلاس و پای تخته است؟!

انسان که نباید همیشه پیروزی را در آغوش بگیرد. نه اینکه طرفدار ضربه خوردن و شکست و ناکامی باشیم ،خیر! بلکه در پی آنیم که توفیق ها و کامیابی های بزرگتری را به دست آوریم لیکن از راه چشیدن طعم عدم موفقیت .

اگر پدر همیشه نوازشگر باشد و اگر استاد و معلم همیشه ارفاق کند و آسان بگیرند جلوی رشد فرزند یا شاگرد را گرفته اند.

باز به قول شاعردیگری:

تمتعی که من از عمر خویشتن بردم
همان جفای پدر بود و سیلی استاد!
مگر از کودکی سرمشق نمی دادند و ما
نمی نوشتیم که:جور استاد به زمهر پدر؟

برخی شکست ها هم همین نقش و اثر را دارند البته اگر اهمیت درس گرفتن از شکست ها را داشته باشیم از مورچه که نباید کمتر بود که با هفتاد بار شکست در بردن دانه به بالای دیوار باز هم دست بر نمی دارد و به راه سر بالا و دشوار خود ادامه می دهد. چرا مشکل ما را از پای در می آورد؟ ما باید مشکل را از میان برداریم. چرا شکست ما را مایوس می کند، ما باید شکست را شکست دهیم و از دل آن شکوفه پیروزی برویانیم.

دریا دل باش و صبور!

سختی های زندگی را در خودت هضم کن، همتی باید تا سنگلاخی های مسیرهموار گردد. آری.... (پیروزی) در دل (شکست) نهفته و خفته است. اگر بخواهی می توانی شکست را (نردبان پیروزی) بسازی ... .

نمایشگاه های از غدیر تا عاشورا

عرضه : انواع وسایل عزاداری وتعزیه خوانی

پلاکارد -پرچم - نوار کاست-Cd-vcd-mp۳عزاداری ومداحی و تعزیه خوانی -طبل -سنج -شیپور-وسایل تعزیه خوانی شمشیر- علم - لباس - خنجر - کلاه خود وغیره

نسخه های تعزیه خوانی

انواع نوارو cd عزاداری و تعزیه خوانی استان هرمزگان

ویژه هیئتها ؛ حسینیه ها و دستجات عزاداری

آدرس : بندرعباس - پارك شهیددباغیان جنب مسجد پیامبر اعظم(ص)

تلفن تماس :۳۳۵۳۰۴۱-۲۲۴۰۱۳۰-۰۹۱۷۷۶۰۴۰۳۲

مجموعه فرهنگی مذهبی خامس آل عبا

با مصرف دو وعده ماهی در هفته در تقویت هوش و ذکاوت خانواده خود کوشا باشید

روابط عمومی اداره کل شیلات استان هرمزگان